

# پلیس جنوب ایران

## The south persian Rifles (S.P.R)

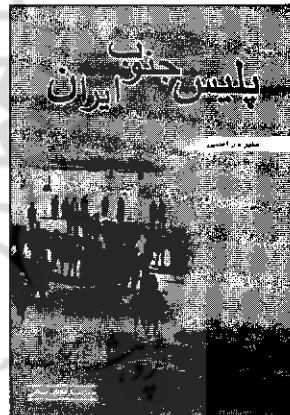
### ○ حسن باستانی راد

یکی از موضوعات بسیار مهمی که به دوران جنگ جهانی اول مربوط می‌باشد، تشکیل سازمانی نظامی است که انگلیسی‌ها آن را The south persian Rifles و با علامت اختصاری (S.P.R) نام نهادند، این عنوان در زبان فارسی، عموماً «پلیس جنوب ایران» و گاه «قشون (تفنگچیان) جنوب ایران»، خوانده می‌شود.

این سازمان نظامی با ورود سرپرستی سایکس<sup>۱</sup> فرمانده نظامی انگلیس (نویسنده کتاب‌های تاریخ ایران و ده هزار مایل در ایران یا سفرنامه هشت سال در ایران) در ششم ذی‌عده ۱۳۳۵ قمری / ۱۶ مارس ۱۹۱۶ م. به بندرعباس، رسماً فعالیت خود را آغاز کرد. تاریخ فوق‌گواه اوج جنگ جهانی اول در سال‌های میانی آن و نشان‌دهنده این است که دولتمردان انگلیسی این نیرو را برای پیشبرد اهداف خود تشکیل دادند. با این هدف آنها نیروی پلیس جنوب را از بین داوطلبان ایرانی که تحت فرماندهی انگلیسی‌ها و افسران هندی و راجپوتی تابع آنها اداره می‌شد، تشکیل دادند. آنها هدف از تشکیل این پلیس را اعاده نظم و امنیت به ویژه در جنوب ایران می‌دانستند.<sup>۲</sup>

اما در حقیقت و طبق گفته فرمانده عالی رتبه این نیرو برقراری امنیت در راه‌های جنوب برای حفظ منافع بریتانیا، سرکوبی ایلات و عشایر جنوب، و سرکوبی میهن‌پرستان ضدبیگانه از جمله مهمترین اهداف تشکیل پلیس جنوب بود.

به همین دلیل سیستم مشق‌ها، تعلیمات و امور اداری پلیس، فرماندهی و روش‌های جنگی، سلاح‌ها و تجهیزات، به کارگیری افسران هندی و راجپوتی و هر آنچه مربوط به تشکیلات این نیرو که قرار بود یازده هزار نفر جنگجوی کارآموده داشته باشد، براساس مبانی نظامی بریتانیا عمل می‌نمود. این پلیس تا ۱۹۲۱ (۱۳۳۹ هـ) فعالیت خود را ادامه داد و در طی این سال‌ها کرمان و بلوچستان، یزد، اصفهان، بختیاری، خوزستان، فارس و بنادر را مورد تاخت و تازهای خود قرار داد. مردم با جانفشانی‌های نیروهای محلی به ویژه ایلات و عشایر در مقابل این نیرو ایستادگی کرده، از همان آغاز دست به قیام‌هایی علیه پلیس جنوب زدند. این قیام‌ها از مارس و



○ پلیس جنوب ایران  
○ تألیف: منیره راضی  
○ ناشر: مرکز اسناد انقلاب اسلامی،  
تهران، ۱۳۸۱، ۳۳۷ ص

○ پلیس جنوب ایران (اس.پی.آر)  
○ تألیف: فلوریدا سفیری  
○ ترجمه: منصوره اتحادیه (نظام مافی)  
○ منصوره جعفری فشارکی (رفیعی)  
○ ناشر: نشو تاریخ ایران، تهران،  
۱۳۶۴، ۳۵۰ ص

سپتامبر ۱۹۱۶ با قیام مردم سیرجان (سعیدآباد) به فرماندهی حسین خان اسفندیار پور رئیس ایل بجاقچی شروع شد و تا قیام‌های گسترده مردم فارس به فرماندهی اسماعیل خان صولت‌الدوله قشقایی، ناصرالدیوان کازرونی، زایر خضرخان اهرمی، شیخ حسین خان چاه کوتاهی، غضنفرالسلطنه برازجانی، و برخی از خوانین بلوچستان، ادامه یافت. گذشته از آثاری که در خلال جنگ جهانی اول به اقدامات پلیس جنوب در ایران می‌پردازند، تاکنون دو کتاب با نام خاص «پلیس جنوب ایران» منتشر شده است که ماهیت و کارکرد آن را، از تشکیل (۱۹۱۶ م) تا انحلال (۱۹۲۱) با توجه به تشکیلات درونی، فرماندهی نیروها، اقدامات سیاسی و واکنش‌های ایرانیان در مقابل آن، به بحث می‌گذارند.

رسانیده و در آخر کتاب در بخش پیوست‌ها، فهرست مفصلی از منابع مورد رجوع خویش را ذکر کرده است. از جمله ویژگی‌های مهم این اثر استفاده از اسناد آرشیوهای مراکز اسناد در ایران و مدارک آرشیوهای وزارت خارجه و وزارت جنگ انگلیس در بایگانی‌های (P-R-O) Public Record Office و India office است. مؤلف اسناد آرشیوهای دو بایگانی اخیر را «جامع‌ترین منبع اصلی تاریخ ایران در دوران جنگ جهانی اول» می‌داند. سخن سفیری تا اندازه‌ای به جا می‌باشد و می‌توان ادعا کرد: تا زمانی که اسناد این بایگانی‌ها به ویژه بایگانی (P-R-O) در اختیار پژوهشگران این دوره از تاریخ ایران قرار نگیرد هرگونه کار تحقیقی نقیصی بزرگ را بر دوش خواهد کشید.



افسران انگلیسی و سربازان ایرانی در بندرعباس - ۱۹۱۷ م.

گذشته از آثاری که در خلال جنگ جهانی اول به اقدامات پلیس جنوب در ایران می‌پردازند، تاکنون دو کتاب با نام خاص «پلیس جنوب ایران» منتشر شده است که ماهیت و کارکرد آن را از تشکیل (۱۹۱۶ م) تا انحلال (۱۹۲۱ م) با توجه به تشکیلات درونی، فرماندهی نیروها، اقدامات سیاسی و واکنش‌های ایرانیان در مقابل آن، به بحث می‌گذارند

#### پلیس جنوب ایران؛ سفیری و راضی

کتاب نخست که البته، نخستین کار پژوهشی جامع در مورد پلیس جنوب ایران می‌باشد، پایان‌نامه تحصیلی فلوریدا سفیری برای اخذ درجه دکتری تاریخ از دانشگاه ادیمبورگ می‌باشد که در ۱۹۷۶ با نام The south persian Rifles دفاع شده است.<sup>۲</sup>

این کتاب توسط دکتر منصوره اتحادیه (نظام مافی) و منصوره جعفری فشارکی (رفیعی) به فارسی ترجمه شده است. علاوه بر گفتاری که در نقد و بررسی منابع در آغاز کتاب آمده است، در هفت فصل مجزا به بررسی مباحثی چون «پیدایش پلیس جنوب ایران»، «اختلاف نظر درباره تشکیل نیرو»، «سربازگیری و عملیات مارس ۱۹۱۶ تا آوریل ۱۹۱۸ م.»، «تشکیلات و کنترل»، «به رسمیت شناختن اس. پی. آر.»، «قیام فارس و پیامدهای جنگ» پرداخته است و در فصل هفتم نیز با نتیجه‌گیری، مطالب کتاب را به پایان

سفیری برای تدوین پایان‌نامه خویش به ایران مسافرت نمود و با برخی از افرادی که اطلاعاتی در مورد پلیس جنوب داشتند مصاحبه‌هایی انجام داد (به ویژه در فارس و بوشهر) او نام مصاحبه شونده‌گان را در پیوست‌ها ذکر کرده و بیان کرده که از اطلاعات‌شان استفاده شایان برده است. تجزیه و تحلیل داده‌های تاریخی براساس اسناد ایران، اسناد بایگانی‌های بریتانیا، تاریخ شفاهی و نوشته‌های مورخان انگلیسی، روش کار سفیری در تدوین کتاب بوده است و این بیش از پیش بر ارزش کار او می‌افزاید: زیرا مقایسه و تلفیق این داده‌ها می‌تواند، حب و بغض‌ها و برخی «تعصبات و تنگ نظری‌ها»<sup>۳</sup> را که در منابع انگلیسی به وفور یافت می‌شود برملا سازد. سفیری در تدوین تاریخ ایران اتکای بیش از حد به منابع انگلیسی بدون در نظر گرفتن منابع فارسی را ضعف اساسی تاریخ‌نگاری در این دوره می‌داند. گفتار او را با دلایلی می‌توان اثبات نمود. شاید مهمترین

دلیل در نگاه به آثار سرپرسی سایکس بدست آید.

سایکس مهمترین ناظر و عالی‌ترین فرمانده پلیس جنوب در ایران بود. او موسس پلیس جنوب بوده و سابقه‌اش در جنوب کاملاً روشن است. سایکس در ۱۸۹۴ م در کرمان کنسولگری انگلیس را تأسیس نمود. پیش از آن در مرزهای شرقی ایران به عنوان صاحب منصبی نظامی حضور داشت. در ۱۸۹۵ م در کمیسیون مرزی در جدایی بلوچستان شرقی از ایران نقش فعال ایفا نمود. پس از آن مدت‌ها در مشهد به سر برده و در ۱۹۱۲ که روس‌ها مشهد را به توپ بستند در آنجا حضور داشته است. مشاهدات وی در مدت سی و پنج سال حضور او در ایران بسیار مهم است. در ژرفای نوشته‌های او در کتاب‌هایی مانند تاریخ ایران و سفرنامه ده هزار مایل در

نیروهای ملی همراه شده بودند در نزد ایرانیان زشت جلوه دهد، تاریخ خویش را این‌گونه رقم می‌زند که؛ در میان وسایل آلمانی‌هایی که در ۱۹۱۶ در شیراز توسط قوام‌الملک دستگیر شدند و به فرمانفرما و سپس سایکس تسلیم گردیدند این مدارک یافت شد:

«... در میان اوراق و کاغذهایی که به دست ما افتاد، یکی سیاه‌قلمی بود که یک افسر آلمانی کشیده و نشان داده بود که ایرانی از یک خوک، یک روباه، یک کفتار، یک خرگوش و یک کرکس یا لاشخور به وجود آمده، یعنی لاشخور تخم‌گذارده و آن ایرانی پیدا شده است...»<sup>۶</sup> سایکس با چنین نگرشی به ایران و ایرانیان، کتاب خود را به نگارش درآورده است. کتابی که برای محققان انگلیسی بعدی نیز به عنوان کتاب راهنمایی برای تاریخ ایران

## انگلیسی‌ها نیروی پلیس جنوب را از بین داوطلبان ایرانی که تحت فرماندهی انگلیسی‌ها و افسران هندی و راجپوتی تابع آنها اداره می‌شد، تشکیل دادند. آنها هدف از تشکیل این پلیس را اعاده نظم و امنیت به ویژه در جنوب ایران می‌دانستند



قلمداد شده است. او در تاریخ خود روی مواردی انگشت می‌گذارد که اولاً صحت آن مورد تردید است، ثانیاً، در پی آن است که مردم ایران نسبت به آن و علیه دشمن انگلیس یعنی آلمان حساسیت نشان دهند.

شاید سرنوشتی که نصیب کتاب مابری شد بهترین دلیل برای بیان سیاست تاریخ‌نگاری انگلیسی‌ها در مورد این دوره از تاریخ ایران باشد، کتابی که در ۱۹۲۹ تألیف شد اما تا ۱۹۸۴ اجازه انتشار نیافت.<sup>۷</sup> هر چند مابری هم در تجزیه و تحلیل گزارش‌ها جانب انصاف را رعایت ننموده و اقدامات برخی از ایرانیان میهن دوست را نوعی بینش صرفاً ضد انگلیسی دانسته است.

باری کتاب سفیری این مزیت را دارد که تنها به نقل روایات کسانی چون سایکس اکتفا نمی‌کند. در کتاب سفیری آن دسته از اسناد بایگانی‌های ایران مورد بررسی قرار گرفته‌اند که تا سال ۱۹۷۶ (۱۳۵۵ ش) آن هم تنها در مرکز اسناد وزارت امور خارجه طبقه‌بندی شده بودند. این در حالی است که اکنون اسناد زیادی تنها در مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه قابل بررسی هستند که اگر در بررسی پلیس جنوب ایران مورد توجه قرار گیرند، ماهیت و عملکرد آن را صحیح‌تر بیان می‌کنند. از آن گذشته اسناد فراوانی در این خصوص در سازمان اسناد ملی ایران بایگانی شده است که کمک بزرگی به این تحقیقات می‌باشند.<sup>۸</sup>

به تازگی کتاب دیگری به نام «پلیس جنوب ایران» منتشر شده است که پس از کتاب سفیری تقریباً دومین اثر جامعی است که به طور خاص نام این پلیس بر آن نهاده شده است. این کتاب تحقیقی است از خانم منیره

ایران می‌توان به سیاست‌های انگلیس و به اصل اهداف آن در ایران پی برد. سایکس در نوشته‌های خود بدون استثناء کلیه ایلات و عشایری را که به ویژه در مقابل قوای انگلیس در جنوب و روسیه در شمال سر تسلیم فرود نیاورده‌اند، «راهزن»، «غارتگر» و دشمن دولت و ملت ایران معرفی می‌کند. او قیام‌های ملی را که علیه بیگانگان صورت می‌گرفته است بر ضد حکومت ایران قلمداد می‌کند. هر کجا که سران ایلات با بیگانگان صلح نموده‌اند، کار آنها را ستوده و هر کجا که همین خوانین در مقابل بیگانه قد علم کرده‌اند به شدت آنها را کوبیده است و از این رهگذر برای توجیه سیاست‌های بریتانیا از هر ابزاری استفاده می‌کند، برای نمونه می‌توان به حضور پلیس جنوب ایران که به قول سرپرسی سایکس برای برقراری نظم، امنیت و مبارزه با قطاع طریق در مناطق جنوبی کشور تشکیل شده اشاره کرد. سایکس از این جهت حضور پلیس جنوب را لازم و منطقی می‌داند. در عوض به شدت نیروی ژاندارمری را که تازه پا گرفته بود، مورد نکوهش قرار می‌دهد، این طرز نگرش نه تنها در اندیشه سایکس بلکه در اندیشه سایر مقامات بریتانیایی و حتی محققانی که بعدها با استفاده از اسناد آرشیوهای بریتانیا و حکومت انگلیسی هند این دوره از تاریخ را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند به شدت وجود داشته و تاریخ‌نگاری آنها را تحت‌تأثیر قرار داده است. با چنین نگرشی است که مثلاً وقتی سایکس از حمله ناصرالدیوان کازرونی و خوانین فارس در مقابل پلیس جنوب سخن می‌گوید کار آنها را «خائنانه» می‌خواند.<sup>۹</sup> سایکس که می‌خواهد چهره آلمان‌ها را که در ایران با دموکرات‌ها و

پلیس جنوب» پرداخته است. کتاب با ارائه نتیجه‌گیری، ضمایم، فهرست تفصیلی برخی از اسناد مورد استفاده نویسنده، فهرست منابع و اعلام پایان می‌یابد.

خانم راضی در تحلیل نسبت‌آجمعی به مانند سفیری، تشکیل پلیس جنوب را بررسی نموده است. آنچه او از تشکیلات این پلیس و اوضاع ایران

راضی (تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پاییز ۱۳۸۱) که در بررسی جامع‌تری نسبت به سفیری، پلیس جنوب را با تکیه بر برخی از اسناد داخلی مورد مطالعه قرار داده است. خانم راضی پیشی از این مقاله «پلیس جنوب» را در دانشنامه جهان اسلام نوشته است که در هر دوی این آثار کتاب سفیری مهم‌ترین مرجع ایشان بوده است. او این کتاب را در سه بخش به



دستگیری برخی از تفنگچیان محلی در راه بین خراسان و یزد توسط سردار فاتح حکمران یزد. (ربیع الثانی ۱۳۳۱ هـ. ق.)

تجزیه و تحلیل داده‌های تاریخی براساس اسناد ایران، اسناد بایگانی‌های بریتانیا، تاریخ شفاهی و نوشته‌های مورخین انگلیسی، روش کار «سفیری» در تدوین کتاب «پلیس جنوب» بوده است.

«سفیری» در تدوین تاریخ ایران اتکای بیش از حد به منابع انگلیسی بدون در نظر گرفتن منابع فارسی را ضعف اساسی تاریخ‌نگاری در نیمه اول قرن بیستم می‌داند

در آستانه جنگ جهانی اول بیان می‌کند به مراتب از کتاب سفیری جامع‌تر است. در ذکر برخوردهای پلیس جنوب با ایلات و عشایر به‌ویژه در فارس و کرمان نیز کتاب راضی را می‌توان تکمیل‌کننده کتاب مایرلی (عملیات در ایران) دانست. مهم‌ترین کاری که راضی در این کتاب انجام داده، انتشار تعدادی از اسناد بسیار مهمی است که در آرشیو «مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران» موجود می‌باشد. وجه تمایز اصلی کتاب راضی نسبت به کتاب سفیری همین اسناد می‌باشند. اگر چه سفیری از اسناد وزارت امور خارجه ایران استفاده کرده است اما کاربرد این اسناد در کتاب راضی تنها منحصر به اسناد به برخی آثاری است که مجموعه‌ای از این اسناد را دربر دارند.

شرح زیر تنظیم نموده است. بخش اول؛ کلیاتی پیرامون تشکیل پلیس جنوب ایران، که در سه فصل به بررسی «زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری پلیس جنوب»، «تشکیل پلیس جنوب» و «واکنش ایرانیان نسبت به پلیس جنوب» می‌پردازد. بخش دوم، عملکرد پلیس جنوب را در دو فصل کلی «برخوردهای پلیس جنوب با ایلات و عشایر جنوب ایران» و «عملکرد سیاسی، فرهنگی و عمرانی پلیس جنوب» بررسی می‌کند. بخش سوم، به انحلال پلیس جنوب در دو فصل به بررسی عوامل انحلال، «عوامل داخلی انحلال پلیس جنوب» و «عوامل خارجی انحلال

همچنان جای خالی اسنادی که در آرشیوهای غنی «مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه» طبقه‌بندی شده‌اند در کتاب راضی و بیشتر تحقیقاتی که در مورد تاریخ این دوره انجام گرفته است محسوس می‌باشد. در چند سال اخیر اقدامات مهمی در راستای نشر اسناد و انجام تحقیقات جدید در این مورد انجام گرفته است.<sup>۱۱</sup> جهادیه‌های منتشر شده، شامل فتاوی

(داخلی و خارجی) و منابع انگلیسی غنی‌تر است اما کتاب راضی از نظر توجه به پژوهش‌های نوینی که در ایران انجام شده است و استفاده از برخی از اسناد ارزشمند موجود در آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر، قابل اعتنا است و بر این اساس کتاب راضی را می‌توان مکمل کتاب سفیری دانست.

پی‌نوشت‌ها:

#### ۱. Sirpercy. M. Sykes

۲. مابریلی، فردریک جیمز: عملیات در ایران، ترجمه کاوه بیات، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۶۹، ص ۱۸۶.
۳. سفیری، فلوریانا: پلیس جنوب ایران (S.P.R) ترجمه منصوره اتحادیه (نظام مافی)، منصوره جعفری فشارکی (رفیعی) تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۴، ص ۵.
۴. همان ص ۷.
۵. همان ص ۸.
۶. سایکس: سرپرسی، تاریخ ایران، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، ج ۲، وزارت فرهنگ ۱۳۳۰، ص ۶۶۵.
۷. همان ص ۶۶۷.
۸. مابریلی، فردریک جیمز، پیشین، ص ۲.
۹. برخی از این اسناد در مجموعه‌ای از اسناد وزارت داخله منتشر شده است ر. ک بیات، کاوه: ایران و جنگ جهانی اول، اسناد وزارت داخله، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۶۹.
۱۰. راضی، منیره، پلیس جنوب، در: دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ج ۵، ۱۳۷۹.

۱۱. گذشته از اسناد وزارت داخله (پیشین)، گزارش‌های سالانه کنسولگری بریتانیا در بوشهر (کاوه بیات، کنگره بزرگداشت هشتادمین سالگرد شهادت رئیس علی دلواری ۱۳۷۳)، اسنادی دربارهٔ هجوم انگلیس و روس به ایران (محمد ترکمان، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰ م، اسناد جنگ جهانی اول در ایران (بهرروز قطبی، تهران نشر قرن، ۱۳۷۰)، جهادیه، فتاوی جهادیه علما و مراجع عظام در جنگ جهانی اول، (محمدحسن کاووسی عراقی و نصر... صالحی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۵) ... از جمله آثاری هستند که راضی اطلاعات برخی از اسناد را از آنها نقل کرده است.

۱۲. تاکنون تلاش‌های درخور تقدیری در این خصوص انجام گرفته است که به رازگشایی تحولات ایران در طی دوران جنگ جهانی اول کمک شایانی می‌کنند. برگزاری کنگره بزرگداشت هشتادمین سالگرد شهادت رئیس علی دلواری که مجموعه مقالات آن انتشار یافته است (بوشهر، ۱۳۷۳)، سمینار بین‌المللی ایران و جنگ جهانی اول در ۱۳۷۶ که مجموعه مقالات آن به کوشش صفاخوان (تهران، ۱۳۸۰) منتشر شده است از جمله این تلاش‌ها بوده‌اند.

همچنین اسنادی مبنی بر اینکه، موجودیت پلیس جنوب همواره مورد اعتراض دولت ایران قرار داشته است توسط دکتر خانبابا بیانی در «بررسی‌های تاریخی» به چاپ رسیده است (سال سیزدهم، شماره ۵، آذر - دی ۱۳۵۷، شماره مسلسل ۷۹) در این اسناد با تأکید بر حفظ استقلال ایران و رعایت مفاد قانون اساسی، اقدام دولت انگلیس در مورد تشکیل قوای نظامی در جنوب ایران، به شدت مورد اعتراض قرار گرفته است. مقاله‌ای نیز توسط فاطمه پیرا، به اختصار پلیس جنوب ایران را مورد تحلیل قرار داده است.

ر. ک. پیرا، فاطمه، «پلیس جنوب ایران S.P.R»، فرهنگ، ویژه تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پانزدهم شماره سوم، پیاپی ۴۳، پاییز ۱۳۸۱.

۱۳. در مورد جهادیه‌ها ر. ک. صالحی، نصر...، کتاب‌شناسی توصیفی رساله‌های جهادیه، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۶۰، مهرماه ۱۳۸۱، ص ۳۰.

۱۴. سفیری، پیشین، صص ۲۹۵ - ۲۹۲، سفیری مطابق فهرستی که از اسناد خارجی ارائه می‌دهد، از دو دسته اسناد آرشیو وزارت خارجه انگلیس و اسناد خصوصی استفاده کرده است.

## پلیس جنوب با ورود سرپرسی سایکس فرمانده نظامی انگلیس

(نویسنده کتاب‌های تاریخ ایران و  
ده‌هزار مایل در ایران یا سفرنامه هشت سال در ایران)  
در ششم ذی‌عقده ۱۳۳۵ قمری / ۱۶ مارس ۱۹۱۶ م.  
به بندرعباس، رسماً فعالیت خود را آغاز کرد

سایکس در نوشته‌های خود  
بدون استثنا کلیه ایلات و عشایری را  
که به ویژه در مقابل قوای انگلیس

در جنوب و روسیه در شمال

سرتسلیم فرود نیاورده‌اند، «راهزن»، «غار تگر»  
و دشمن دولت و ملت ایران  
قلمداد می‌کند

جهاد علما و مراجع عظام در طول جنگ جهانی اول، از مهم‌ترین منابعی هستند که بایستی مورد توجه جدی قرار بگیرند. یکی از این آثار به کوشش محمدحسن کاووسی و نصر... صالحی از طرف دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی (تهران، ۱۳۷۵) منتشر شده است که مورد استفاده راضی هم قرار گرفته است.<sup>۱۲</sup> با این توصیف کاربرد اسناد در کتاب راضی از طریق آثاری است که در آنها تعدادی از اسناد منتشر شده است. این در حالی است که سفیری علاوه بر اینکه از اسناد منتشر نشده آرشیو وزارت خارجه انگلیس استفاده نموده است.<sup>۱۳</sup> فهرستی هم از اسناد آرشیو وزارت امور خارجه ایران ارائه می‌دهد که مورد رجوع او بوده‌اند. این اسناد مربوط به سال‌های ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۸ قمری می‌باشند. اگر چه با توجه به اسناد مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی این فهرست را می‌توان تا سال ۱۳۴۱ قمری ادامه داد و در تحقیقات بعدی از آنها استفاده کرد.

راضی در کتاب خود از منابع انگلیسی استفاده نکرده است و تنها به کتب ترجمه شده اکتفا نموده است. این در حالی است که سفیری بیش از یکصد و ده اثر خارجی را (شامل منابع دست اول و پژوهش‌ها) در فهرست منابع خود ذکر می‌کند که مورد رجوع و استفاده او بوده‌اند.

راضی، آن دسته از پژوهش‌هایی را که در طی سه سال گذشته در مورد موقعیت و اوضاع ایران در جنگ جهانی اول انجام یافته‌اند مورد توجه و استفاده قرار داده، که تکمیل‌کننده کتاب سفیری است.

از مقایسه دو کتاب فوق برمی‌آید که بایستی این دو کتاب را در کنار یکدیگر بررسی کرد به گونه‌ای که کتاب سفیری از نظر استفاده از اسناد